

غرفه ایران در نمایشگاه «کاپ ۳۱» به جای گزارش اقلیم، مدرسه میناب را به نمایش گذاشت

زنگ کلاسی که در آنتالیا به صدا درآمد

گزارش

زیست بوم- غرفه ایران در نمایشگاه سی‌وششمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل، موسوم به «کاپ ۳۱» که در شهر آنتالیا در ترکیه برگزار شد، به جای ارائه گزارش اقلیمی از ایران، مدرسه میناب را بازسازی کرد تا به این ترتیب جنایت آمریکا علیه اقلیم انسانی ایران را به نمایش بگذارد؛ روایتی از جنگ که بازدیدکنندگان و رسانه‌های بین‌المللی را، آن هم در قلب بحث‌ها و نشست‌های اقلیمی، متوقف می‌کند. چرا که اگر جنگ علیه ایران نبود، امروز هرکدام از ۱۳۸ دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه میناب با کوله‌پشتی راهی مدرسه می‌شدند. احتمالا پشت نیمکت می‌نشستند، دفتر مشق را باز می‌کردند و برای نوشتن از هم سبقت می‌گرفتند یا از روی دست هم می‌دیدند. اما حالا از آن همه رویا، تنها قاب‌هایی کنار هم ایستاده‌اند.

به گزارش ایرنا، تصاویر چهره‌های دانش‌آموزان میناب، هزاران کیلومتر دورتر از مدرسه‌ای که دیگر زنگ آن به صدا درنمی‌آید، در غرفه ایران در نمایشگاه «کاپ ۳۱» که امسال در آنتالیا برگزار شد، روی دیوار قرار گرفتند؛ تصاویری که بازدیدکنندگان را برای لحظاتی از هیاهوی مذاکرات اقلیمی جدا می‌کند و آنان را به یاد کودکانی می‌اندازد که فرصت ساختن آینده و حفظ محیط زیست و بهبود اقلیم‌شان را از دست داده‌اند.

کلاسی که زنگ آن به صدا درنمی‌آید

در ردیف اول سالن نمایشگاه، بین پاویون‌هایی که هر یک با تصویر جنگل و حیات وحش یا فناوری سبز از برنامه اقلیمی کشور خود می‌گویند، غرفه ایران روایتی دیگر دارد: دیواری فروریخته، کوله‌پشتی‌های رهاشده، تکه‌های گچ و بقایای نمادین یک کلاس درس. به گزارش بلومبرگ، این غرفه «فضای نمایشگاهی که معمولاً بر گرمایش جهانی تمرکز دارد» را به بازسازی پیامدهای حمله موشکی آمریکا به یک دبستان تبدیل کرده است: تصویر کودکان کشته شده، کلاس درس با کوله‌پشتی‌های پراکنده، میزهای واژگون و تخته‌سیاهی که گویی پس از حمله موشکی باقی مانده است. روی تخته‌سیاه، به‌جای فرمول ریاضی و مشق کودکانه، یک عدد نوشته شده: ۱۶۸. پاول پارنا، خبرنگار بنگلادشی که از آنتالیا برای رسانه «پروتوم آلو» گزارش می‌نویسد، این صحنه را چنین توصیف کرد: کودکان با گل‌آذین بر گردن، در حال خوش‌آمدگویی به بازدیدکنندگان؛ در کنارشان بقایای یک کلاس آسیب‌دیده، کیف‌های سوخته مدرسه، عروسکی آویزان از زیپ کیف و تخته‌سیاهی شکسته که روی آن نوشته شده «۱۶۸ کودک در حملات اسرائیل و آمریکا کشته شدند.» او اضافه کرد که خواندن این عدد او را «بی‌حس» کرد. خبرگزاری «وانا» هم درباره غرفه ایران نوشت: کنار تصاویر، کتیبه‌ای قاب‌گرفته نیز نصب شده است: «آنان به دست اسرائیل و آمریکا کشته شدند.»

> در میان نمودارها و تعهدنامه‌های یک اجلاس اقلیمی، غرفه ایران یادآور این واقعیت است که بحران محیط زیست را نمی‌توان از امنیت و زندگی آدم‌ها جدا کرد

چرا غرفه اقلیمی از جنگ می‌گوید

مدرسه «شجره طیبه» میناب در اولین روز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، هدف حمله قرار گرفت. به گزارش آسوشیتدپرس، ساختمان دوطبقه مدرسه هنوز در میانه درس منجمد مانده است؛ میزهایی نیمه‌مدفون و سقف‌های فروریخته، و مقام‌های محلی که گفته‌اند ساختمان به موزه جنگ و یادمان تبدیل خواهد شد. آرمان خورسند، مسئول مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌های سازمان حفاظت محیط زیست، به بلومبرگ گفت که این اولین غرفه ایران در یک کاپ اقلیمی است و «تلخی ماجرا» را چنین توضیح داد: «جهان در کاپ ۳۱ گرد آمده تا درباره کاهش ردپای کربن بر کره زمین گفت‌وگو کند، در حالی که جنگ حجم عظیمی دی‌اکسید کربن منتشر کرده است.» به گفته او، «بخشی از پیام غرفه، بازتاب همان موضعی است که تهران در شبکه‌های اجتماعی در پاسخ به اظهارات مقام‌های آمریکایی درباره میناب منتشر می‌کند.»

این پیوند، در جای دیگری از غرفه هم دیده می‌شود: بخشی از برنامه ایران در این غرفه به گزارش آسیب‌های زیست‌محیطی جنگ اختصاص دارد؛ از جمله انتشار گازهای ناشی از حمله به تأسیسات نفتی و کشتی‌های آسیب‌دیده در خلیج فارس و دریای عمان. پیش‌تر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، در سخنرانی خود در این اجلاس خواستار تعیین سازوکار غرامت برای جبران خسارات زیست‌محیطی حملات نظامی شده و محیط زیست را «قربانی خاموش جنگ» خواند.



واقعاً شوکه شدم

بازدیدکننده‌ای اهل ایتالیا به ایرنا گفت: «اینجا در کاپ ۳۱، غرفه‌های متنوع و راهکارهای گوناگون برای سازگاری با تغییر اقلیم دیده‌ام، اما وقتی از کنار غرفه ایران رد شدم واقعاً شوکه شدم. کاملاً درک می‌کنم ایران می‌خواهد چه پیامی را منتقل کند. به آن افتخار می‌کنم، اما نمی‌توانم میزان حیرتم را توصیف کنم.» یک بازدیدکننده ترک هم گفت از اینکه به غرفه ایران آمده خوشحال است: «می‌دانیم شما با چالش‌های زیادی مبارزه می‌کنید و بالاخره می‌توانید آنها را حل کنید؛ از ایرانی‌ها حمایت می‌کنم.» بازدیدکننده پاکستانی، که خود را فیزیوتراپ معرفی کرد، گفت: «اینجا پیامدهای بمباران مدرسه میناب به نمایش گذاشته شده؛ صحنه‌ای که آماده کرده‌اند بسیار غم‌انگیز است. وقتی خبر را شنیدیم در خانه‌هایمان گریه می‌کردیم. کودکان هرگز نباید هدف قرار گیرند.» او افزود: «با بیمارانی از مناطق جنگی کار کردم که دچار سوختگی و قطع عضو شده‌اند. این آسیب‌ها تا ابد با آنان می‌ماند.» به گزارش ایرنا، بسیاری از بازدیدکنندگان - حتی از کشورهایی که دولت‌هایشان موضع همسو با ایران ندارند- برابر تصاویر می‌ایستند، ماجرا را می‌پرسند و نشان یادبود شهدای میناب را با خود می‌برند.

بازتاب رسانه‌ای؛ از بلومبرگ تا پروتوم آلو

بلومبرگ در گزارشی با عنوان «ایران از مذاکرات جهانی اقلیم برای برجسته کردن پیامدهای حمله آمریکا استفاده می‌کند» نوشت: «بازدیدکنندگان می‌توانند با گذاشتن هدست واقعیت مجازی روی چشم‌هایشان، فیلم چهاردقیقه‌ای را ببینند که یک روز مدرسه یک پسر خیالی را پیش از این حمله روایت می‌کند.» روزنامه هندی «اکونومیک تایمز» گزارش بلومبرگ را بازنشر کرد و بر متفاوت بودن غرفه ایران در میان پاویون‌های دیگر کشورها تأکید کرد. رسانه «پروتوم آلو» هم در گزارش خود از نمایشگاه کنفرانس تغییرات اقلیمی در آنتالیا، درباره غرفه ایران اینطور نوشت: «نمایش مرگ آدم‌ها و اکوسیستم‌ها اگر صرفاً با عدد باشد، هویت و سیاست قدرت پشت آنها را پنهان می‌کند. اما امروز باید پرسید اگر درختان و حیات وحش، قربانی تغییر اقلیم روزی به یک نمایشگاه بیایند، سازمان ملل مترجمی برای زبان آنها دارد؟»

از نیمکت‌های خالی میناب تا نگاه جهانی

در میان نمودارها، تعهدنامه‌ها و گفت‌وگوهای تخصصی یک اجلاس اقلیمی، غرفه ایران یادآور این واقعیت است که بحران محیط زیست را نمی‌توان از امنیت و زندگی آدم‌ها جدا کرد، زیرا تخریب زیرساخت، آسیب به محیط زیست و پیامدهای انسانی جنگ‌ها، سال‌ها و نسل‌ها ادامه دارند و کودکان، آسیب‌پذیرترین گروه در این میان‌اند. شاید از آنچه در «کاپ ۳۱» گفته و نوشته شد، آنچه بیشتر در ذهن بازدیدکننده غرفه ایران می‌ماند، همان تخته‌سیاه و عدد ۱۶۸ باشد؛ عددی که در سکوت یک کلاس بازسازی‌شده، از کودکانی می‌گوید که دیگر فرصتی برای نوشتن از آینده خود را ندارند.

دومین پیش‌همایش «زن در تاریخ محلی سیستان و بلوچستان» برگزار شد

توسعه از جایی آغاز می‌شود که زنان تصمیم می‌گیرند

نهادهای مدنی چه زمانی می‌توانند از پروژه‌های کوچک به تغییرات پایدار برسند؟

گزارش

طاهره جورکش
پژوهشگر اجتماعی و فعال حوزه زنان

پیش از آنکه در آمارها و گزارش‌های عملکرد دیده شود، توسعه باید در زندگی مردم رخ دهد؛ در زنی که حق انتخاب پیدا می‌کند، دختری که به مدرسه بازمی‌گردد و جامعه‌ای که می‌تواند درباره آینده خود تصمیم بگیرد. نهادهای مدنی می‌توانند حلقه اتصال جامعه محلی به فرصت‌ها باشند؛ صدای گروه‌های کمتر شنیده شده را به عرصه عمومی بیاورند و تجربه‌های پراکنده را به مطالبه‌ای جمعی تبدیل کنند. اما آیا فعالیت آنها به تغییر مناسبات اجتماعی و اقتصادی انجامیده یا همچنان در محدوده پروژه‌های کوچک و مقطعی مانده است؟ دومین پیش‌همایش ملی با محوریت «توانمندسازی زنان جامعه محلی سیستان و بلوچستان؛ فرصت‌ها و روایت‌ها» چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ به همت انجمن زنان پژوهشگر تاریخ ایران در سالن اندیشگاه کتابخانه ملی برگزار شد؛ نشستی که وجه متمایزش گذر از گزارش صرف دستاوردها و گوش سپردن به روایت‌های میدانی، شکست‌ها و نقدهای درونی فعالان و تسهیلگران بود، با این پیام که توانمندسازی بدون شنیدن صدای زنان و به رسمیت شناختن حق تصمیم‌گیری‌شان ممکن است همان مناسباتی را بازتولید کند که قرار بود تغییر دهد.

از حاشیه تا متن توسعه

فخرالسادات محتشمی‌پور، رئیس انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، گفت که قرار بود برنامه در خود سیستان و بلوچستان برگزار شود، اما شرایط و همکاری‌های لازم فراهم نشد و نشست به تهران آمد؛ مانعی که به گفته او، نباید به نادیده ماندن ظرفیت‌های منطقه می‌انجامید. پیش‌همایش اول، علمی و پژوهشی بود، اما این برنامه برای گفت‌وگوی عمیق‌تر، تبادل تجربه و بررسی راهکارهای عملی شکل گرفت؛ فضایی برای شنیدن تجربه زیسته زنان و کنشگران، نه صرفاً ارائه مقاله. او با اشاره به محدودیت‌های مالی و اجرایی نهادهای مدنی تأکید کرد که انتشار مقاله و نشست‌های کوچک‌تر نیز می‌تواند این مسیر را زنده نگه دارد و تجربه‌های زنان استان را به سطح ملی برساند. فیروزه صابر، مؤسس بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، تاریخ را نه مجموعه‌ای از الگوهای آماده برای تجویز، بلکه بستری برای بازاندیشی در عملکردها دانست و نقد صادقانه را شرط یادگیری جمعی و اصلاح مسیر خواند.

به باور او، معیار موفقیت، نه شمار آموزش‌دیدگان و طرح‌های اجرا شده، بلکه اثر اجتماعی اقدامات است. او با اشاره به جمعیت بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری استان، از جایگاه نامطلوب آن در شاخص توسعه انسانی گفت و آمار آورد که حدود ۴۰ درصد جمعیت زاهدان و بیش از ۵۴ درصد جمعیت چابهار در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند. به گفته صابر، با وجود فعالیت نهادهای مدنی و تسهیلگران، بسیاری از اقدامات توانمندسازی در سطح خرد مانده و بر مسائل ساختاری اثر چندانی ندارد.

او بر ضرورت رویکرد توسعه‌محور تأکید کرد و گفت که حل این مسائل تنها از عهده نهادهای مدنی برنمی‌آید و دستگاه‌های ملی مسئول نیز باید در کنار جامعه محلی پاسخگو باشند. او چند پرسش پیش روی حاضران گذاشت: «نهادهای مدنی از طرح‌های اجرا شده چه آموخته‌اند؟ اقداماتشان چه فرصتی برای توان‌افزایی فراهم کرده است؟ و روایت انتقادی‌شان از عملکرد خود چیست، چه ضعف‌هایی دیده‌اند و برای اصلاح مسیر چه برنامه‌ای دارند؟ نقد در نگاه او نشانه شکست نبود، بلکه بخشی از پیشرفت بود.»

توانمندسازی فراتر از آموزش و حمایت

لیلا جمالی، مدیرعامل مؤسسه الف یک، از طرح پنج ساله‌ای در قصرقند گفت که از سه روستا آغاز شده و اکنون ۳۰ روستا و حدود ۴ هزار و ۵۰۰ کودک زیر شش سال را دربرمی‌گیرد و همچنین زنان تحصیلکرده منطقه در مراکز پایش و ارتقای رشد کودکان با قرارداد، حقوق و بیمه به کار گرفته شده‌اند. به گفته او، میانگین نمره کودکانی که دو سال در مراکز حضور داشته‌اند در فارسی و ریاضی پایه اول ۳۹ از ۵۴ بوده و این رقم برای کودکان خارج از طرح ۱۹ گزارش شده است. جمالی نگاه از بالا به پایین در آغاز فعالیت را از خطاهای مؤسسه دانست. زهرا حیدرنژاد، نماینده یکی از بنیادهای خیریه، از «طرح نان» گفت که در سال ۱۳۹۹ همزمان با کرونا برای حمایت از بیش از ۵۰ زن سرپرست خانوار آغاز شد و به سوادآموزی در شیرآباد و نعمت‌آباد زاهدان رسید و تاکنون ۲۴۰ زن و دختر باسواد شده و در دوره جدید ۱۶۰ زن و ۲۵ پسر فاقد شناسنامه ثبت‌نام کرده‌اند. او هدف را «سواد برای ادامه زندگی» دانست و از فقر، اعتیاد و مخالفت برخی همسران گفت که گاه به خشونت خانگی می‌انجامد. حیدرنژاد ورود اولیه بنیاد با ذهنیتی مرکزگرا را نیز نقد کرد: «حتی اقدام خیرخواهانه بدون شناخت فرهنگی و اجتماعی ممکن است خطا کند.» ساناز قربانی، نماینده بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، از شکل‌گیری نزدیک به ۶۰ گروه خودیار با مشارکت حدود ۶۰۰ زن گفت. از نگاه او، صرف داشتن شغل و درآمد به معنای توانمندی نیست؛ زنان باید به منابع دسترسی داشته باشند، آنها را مدیریت کنند و در تصمیم‌گیری‌های زندگی و پیگیری مطالباتشان عاملیت پیدا کنند. مرضیه حسن‌زهی، مدیرعامل انجمن امید زنان حاشیه‌نشین «خانه هدی»، از صندوق‌های پس‌انداز گروهی گفت که برای عبور از کمک‌های خیریه و حرکت به سوی استقلال اقتصادی شکل گرفته است. به گفته او، آموزش شناخت بازار، کیفیت تولید و سلیقه مشتری کمک کرد زنان محصولی بسازند که امکان فروش داشته باشد. صندوق‌ها فقط محل پس‌انداز نبودند؛ زنان در آنها مدیریت جمعی، تقسیم مسئولیت، اعتماد متقابل و تصمیم‌گیری درباره منابع مشترک را تمرین کردند. این تجربه که با حدود ۶۰ زن آغاز شد، اکنون به حدود ۶۰۰ زن رسیده و در سیستان، نیمروز، زابل و چابهار گسترش یافته است. او تجربه‌های ناموفق را هم بخشی از یادگیری دانست و گفت: «آموزش نباید الگوی آماده ارائه کند، بلکه باید از دل نیاز واقعی هر منطقه بجوشد.»







> زنان سیستان و بلوچستان نباید صرفاً موضوع برنامه‌های توانمندسازی باشند؛ آنها باید صاحبان دانش، تصمیم و روایت باشند. توسعه واقعی زمانی آغاز می‌شود که به جای تصمیم گرفتن برای مردم، امکان تصمیم گرفتن را به خودشان بدهیم

توسعه بدون شناخت جامعه محلی ممکن نیست

افسانه احسانی، مدیر مؤسسه آوای طبیعت پایدار و مروج میراث ناملموس، با روایت پروژه‌ای در قشم در سال ۱۳۸۴ نشان داد بازارپسند کردن سوزن‌دوزی زنان چگونه می‌تواند بخشی از مهارت و هنر پیشین آنان را کنار بزند و حتی دسترسی‌شان به لباس‌های سنتی را محدود کند. از نگاه او، افزایش تولید و فروش به‌تنهایی نشانه موفقیت نیست؛ توسعه باید با نیازها، انتخاب‌ها و کیفیت زندگی مردم سنجیده شود و به بهای نادیده گرفتن هویت بومی یا حقوق کودکان تمام نشود.

انوشه طاهریان، تسهیلگر گروه مهر هامون، از مسیری گفت که با بازشناسی مهارت‌های بومی، بویژه سوزن‌دوزی آغاز شد و به تشکیل تعاونی و مطالبه‌گری زنان رسید: «زنی با وجود محدودیت در خروج از روستا، مدیر تعاونی شد و زنی دیگر با گرفتن گواهینامه رانندگی، رفت‌وآمد دختران روستا به مدرسه را آسان کرد.» او همراهی نکردن مردان به صورت کافی را از کاستی‌های گروه دانست و گفت: «تحقق حقوق زنان و دختران بدون مسئولیت‌پذیری مردان دشوار است.» آنا یارعلی از انجمن زنان کارآفرین، شتاب‌زدگی در اجرای طرح‌ها و ضعف مطالعات مقدماتی را نقد کرد و گفت: «مردم باید از طراحی تا ارزیابی نهایی در تصمیم‌گیری سهم داشته باشند و گاهی باید به جای ساختن فرصت تازه، ظرفیت‌ها و دانش بومی موجود را شناخت و احیا کرد.»

دکتر حسن طائی، اقتصاددان و رئیس پیشین دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، با اشاره به مجموعه «خانه مادر و کودک؛ رشد، آگاهی و نشاط»، کتابخانه را پایگاهی اجتماعی برای یادگیری و تقویت مشارکت زنان و کودکان خواند و پذیرفتن فقر به‌مثابه وضعیتی طبیعی و تغییرناپذیر را مانع جدی توسعه دانست. او از گذار از «اقتصاد رنج» به «اقتصاد ارزش» گفت؛ یعنی کار و هنر زنان باید ارزش اقتصادی واقعی پیدا کند، نه آنکه برای درآمدی اندک به فرسودگی جسم و جان آنان بینجامد.

کتایون سپهری، از اعضای انجمن زنان کارآفرین و پارک علم و فناوری، با اشاره به تربیت بیش از ۴۰ مربی کارآفرین روستایی گفت که توانمندی زنان بدون دسترسی به اطلاعات، منابع مالی، بازار فروش و شناخت سلیقه مصرف‌کننده بالفعل نمی‌شود.

ریحانه افشاری، از داوطلبان بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، پژوهش‌های هنرهای دوخت در استان را نقد کرد و گفت که با تکرار یافته‌های پیشین، صدای خود زنان را کمرنگ کرده‌اند؛ هنر زنان را نمی‌توان جدا از تجربه زیسته و زمینه اجتماعی‌شان بررسی کرد. سیما رئیسی، مدیرعامل انجمن نابینایان چابهار، از بازگرداندن دختران و زنان بازمانده از تحصیل به آموزش گفت؛ از جمله زنی حدود پنجاه ساله که دیپلم گرفته است و همچنین کارگاه‌های خیاطی و پوشاک محلی که حدود ۳۰ نفر را مستقیم به کار گرفته‌اند. محیا واحدی، نماینده جمعیت امام علی، بر ارتباط مستقیم با جامعه محلی تأکید کرد و ضعف مستندسازی تجربه‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های سال‌ها فعالیت میدانی را از کاستی‌های مجموعه خود برشمرد.

فرشته شیبانی‌مقدم، نماینده مؤسسه تاک و ان‌جی‌کاردو، از حدود ۱۱ سال بانکداری پیوندی گفت؛ پیوند صندوق‌های محلی با بانک کشاورزی که راهی برای عبور از موانعی چون نداشتن ضامن است.

زنان؛ صاحبان روایت و حافظان تاریخ محلی

خیرالنسا امیری، مدیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چابهار، بر بازشناسی نقش زنان بلوچ در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی تأکید کرد.

امیری ثبت روایت‌های شفاهی، هنرها، پوشاک و دیگر جلوه‌های میراث فرهنگی بلوچ را ضروری دانست تا نقش زنان در حافظه جمعی منطقه از میان نرود. سارا خوشخوی از بنیانگذاران اولین مرکز مشاوره در بلوچستان، بر توانمندسازی متوازن خانواده و مشارکت مردان در برنامه‌های آگاهی‌بخشی به منظور تغییر نگرش تأکید کرد. او آموزش خودمراقبتی، حفظ سلامت روان و مدیریت فشارهای محیطی را از نیازهای مهم زنان برشمرد.

سخنران پایانی، نماینده معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، خواستار روایتی از تاریخ محلی شد که عاملیت زنان بومی را به رسمیت بشناسد و تنها به فعالیت سازمان‌های بیرونی محدود نماند. روایت‌های این پیش‌همایش، در کنار دستاوردهای ارزشمند، پرسشی جدی پیش روی سیاست‌گذاران گذاشت: «چرا بخش مهمی از ظرفیت زنان، با وجود سال‌ها فعالیت میدانی، همچنان در محدوده پروژه‌های کوچک مانده است؟ پاسخ را نمی‌توان تنها در کمبود منابع یا ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد جست؛ توسعه پایدار مسئولیتی مشترک است و بدون ورود جدی دستگاه‌های مسئول محقق نمی‌شود.

زنان سیستان و بلوچستان نباید صرفاً موضوع برنامه‌های توانمندسازی باشند؛ آنها باید صاحبان دانش، تصمیم و روایت باشند. توسعه واقعی زمانی آغاز می‌شود که به جای تصمیم گرفتن برای مردم، امکان تصمیم گرفتن را به خودشان بدهیم.